بسم الله الرحمن الرحیم

خارج فقه جلسه74..3/10/1399

مرحوم سید به مناسبت صدق اسم زمین دو فرع را ذکر میکنند که خارج از مصداق اسم زمین به نظر عرفی یاحقیقتا هست :

◼️ فرع اول : زمینی که مفروش به قیر است یا اینکه زمین با تخته فرش شده یا فرشهای ی پنبه ای و پشمی فرش شده مثل همین فرشهایی که در استقبال ریاست جمهوری کشورها روی زمین می اندازند یا چمن مصنوعی ،

نظر مشهور : مراجع عظام عمدتا مسح یا مشی بر این مفروضات را موجب تطهیر کف پا و کفش نمی دانند چون حقیقتا این مفروشات زمین نیستند و صدق اسم زمین بر جاده ای که قیر دارد یا چمن مصنوعی و .... دارد نمی شود

مخالف در مساله : مرحوم ابن جنید و صاحب المستند یعنی مرحوم نراقی مخالف این فتوا هستند و صاحب نهایة الاحکام و مرحوم علامه در این حکم تردید کرده اند و فتوی نداده اند

◼️ دلیل مخالفین ، اطلاق دو تا روایت هست :

◼️ روایت اول : صحیحه احول که از امام علیه السلام می پرسد مردی بر مکان نجسی قدم میگذارد سپس بر مکان نظیفی یعنی پاک قدم میگذارد ثم یطأ بعده مکانا نظیفا این جمله اطلاق دارد و مکان نظیف مطلق است و شامل زمینی که با قیر فرش شده یا با چمن مصنوعی و ..... را شامل میشود

◼️ روایت دوم : از معلی ابن خنیس است که امام فرمود آیا غیر از آن مکان بولی مکان خشکی نیست کلام امام مطلق است و مکان خشک اعم از اینکه جاده قیری باشد یا هر چیز دیگر عمده ملاک مشی و مسح بر این جاده ها ست و همین اندازه که پا را روی این جاده ها بکشد پاک میشود

◼️ اشکال استاد : این اطلاق ثابت نشده چون اولا مرحوم بحرانی در حدایق ج ۵ ص ۴۵۸ قائل به انصراف شد که مکان نظیف یا مکان خشک انصراف به زمین دارد و آنچه در ان زمان متعارف بود راه رفتن بر زمین بود نه بر جاده های قیری و چوبی که آن زمان وجود نداشته

◼️ ثانیا : روایات متعارض است و در مقابل این دو تا روایت صحیحه محمد حلبی بود که امام فرمود الیس تمشی بعد ذلک فی ارض یابسة آیا بعد از قدم گذاشتن روی نجاست و آلوده به بول زمین خشکی نبود که راه برود و منظور امام از زمین خشک زمین است نه جاده قیری و چوبی و‌ چمن های مصنوعی و .... جمع بین این روایت با آن دو روایت این است که حمل کنیم روایات قبلی را بر همان زمینی که مفروش به این فرشها نیست و این جمع تبرعی است و شاهد جمع تبرعی اجماع فقهاست که همه فقها واجب دانستند

◼️ ثالثا : آن دو روایت را مقید میکنیم به تعلیل امام علیه السلام که فرمودند ان الارض یطهر ...... که قدرمتیقن از این تعلیل زمین است وقتی تطهیر باطن کفش و پا مقید بر راه رفتن بر زمین شده باید حکم کنیم که راه رفتن بر تغلیط و خشب و حطب ( هیزم ) و ..... کافی نیست

◼️ فرع دوم : بر اجزایی راه برود که عرفا و حقیقتا جزء زمین نیست گرچه متصل بر زمین است مثل گیاهان و ذراعتها و گاهی هم متصل به زمین نیست مثل حصیر و بوریا راه رفتن بر اینها مطهریت ندارد الا اینکه مقدار گیاهان کم باشد به حدی که مانع از راه رفتن بر زمین نشود و صدق مشی علی الارض بکند ، این استثنا از نظر ما قبول است. چون جاده هایی که عمدتا مسیر مردم است جاده صاف و خالص از چوب و ... نیست اما به حدی نباشد که جاده را از اسم زمین خارج کند لذا دلیل ما بر این مستثنی عرف است